



نشریه علمی اندیشه‌های نو در علوم جغرافیایی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۴۵-۶۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰



زیست‌پذیری شهری با رویکرد حق به شهر: مفاهیم، ابعاد و شاخص‌ها

صدیقه دولت‌شاه

دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مسئول پژوهش و مطالعات شهری، شهرداری بندرماهشهر

چکیده

امروزه زیست‌پذیری در بیشتر کشورهای توسعه یافته به عنوان یک اصل راهنما در چارچوب گفتمان پایداری در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی شهری گسترش پیدا کرده است. زیست‌پذیری شهری و حق به شهر مفاهیمی مرتبط با توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در شهرها هستند و در ایجاد شهرهایی سالم، پویا و عادل تأثیرگذار هستند. این مقاله ضمن معرفی زیست‌پذیری و حق به شهر به عنوان رویکرد غالب در برنامه‌ریزی شهری جهان معاصر خاستگاه نظری، دیدگاه‌های تأثیرگذار و ادبیات نظری-تجربی، ابعاد و شاخص‌های آن را بررسی کرده است. این تحقیق به لحاظ هدف بنیادی-نظری و داده‌های آن، به روش کتابخانه‌ای - اسنادی فراهم آمده است. با توجه به گستردگی مباحث و رویکردهای تئوریک موجود در این زمینه، در این پژوهش تنها آن دسته از تحقیقاتی که تناسب بیشتری با موضوع تحقیق حاضر داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس به بررسی نظریات هانری لوفور حق به شهر و نظریه کوین لینچ، مارکوزه، تووی فنستر، هاروی و... همچنین مفاهیم پشتیبان و نزدیک به زیست‌پذیری همچون توسعه پایدار، شهر سالم، نوشهرگرایی، رشد هوشمند و شهر فشرده پرداخته شده است. یافته‌های مقاله بیانگر این موضوع است که با توجه به شرایط امروز، در بیشتر شهرهای جهان توافق کلی درباره اهمیت و ضرورت شناخت، تحلیل و تبیین زیست‌پذیری شهری و حق به شهر در ابعاد گوناگون وجود دارد اما اجماع نظر درباره تعریف، معیارها و شاخص‌های آن وجود ندارد. مهم‌ترین علت این امر را می‌توان در وابستگی مستقیم این مفهوم به شرایط مکانی، زمانی و مهم‌تر از همه، بستر اجتماعی-اقتصادی و مدیریتی جامعه هدف دانست.

کلمات کلیدی: زیست‌پذیری، حق به شهر، توسعه پایدار، رشد هوشمند

مقدمه

در دهه‌های اخیر، رشد و گسترش روزافزون شهرها از یک سو و اهمیت مطالعه در زمینه زندگی شهری و شیوه‌های دستیابی به حقوق شهروندی از سوی دیگر سبب شده است تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحثی در مورد مفهوم حق به شهر مطرح گردد، مفهومی که برای اولین بار توسط هنری لوفور بیان گردید. در حال حاضر در اغلب شهرهای جهان مفهوم حق به شهر به مشابه کنشی برای گسترش حقوق زیست ساکنان شهری و دستیابی به حقوق شهروندی، درک شده و از ضرورت‌های زیستی-حقوقی شهر تلقی می‌گردد. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که آرمانهای حقوقی بشر، چه از نظر سیاسی و چه اخلاقی، نقش عمده یافته‌اند. و نیروی بسیاری صرف ترویج اهمیت آن برای ایجاد جهانی بهتر شده است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). حق به شهر، یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری می‌شود. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاریهای شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصادی شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود (شارع‌پور و خدایاری مطلق، ۱۳۹۵: ۳). مشارکت شهروندان نه تنها سبب افزایش تحقق حقوق شهری و افزایش رضایت شهروندان می‌شود، بلکه با افزودن دیدگاههای مردمی از طریق مشارکت در فرآیند‌های تولید فضای شهری سبب ایجاد فضاهایی می‌شود که هم از نظر زیبایی‌شناسی و هم از جنبه کاربردی با فرهنگ و برداشتهای عمومی مردم تناسب دارند (شارع‌پور و رهبر، ۱۳۹۴: ۳). حق به شهر و حقوق شهروندی در دهه‌های اخیر تحت تأثیر نظامهای حاکم بر شهرها دچار تحول و تغییرات اساسی شده است. اگرچه در ابتدای تاریخ مدرن، حق به شهر و شهروندی صرفاً در چارچوب رابطه فرد و دولت - ملت تعریف می‌شده است ولی امروزه به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است. لذا در راستای تحقق هر چه بیشتر این حق، امروزه در اداره امور شهرها بهره‌گیری از الگوی حکمروایی خوب شهری که در آن دولتها، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان افقی و فرابخشی به مشارکت بپردازند، به عنوان پارادایمی در نظام مدیریت و حکمروایی شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد (تقوی و حبیبی، ۱۳۹۷: ۳۳). امروزه رویکردهای نظری و دیدگاههای گوناگونی برای مواجهه با این شرایط در جهان مطرح و به کار گرفته شده است که از جمله می‌توان پایداری، روستا شهر، کیفیت زندگی، رشد هوشمند، نوشهرگرایی و زیست‌پذیری اشاره کرد.

پیشینه تحقیق

یغفوری و کاشفی دوست (۱۳۹۷) مقاله تحت عنوان ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر) با هدف ارزیابی حق به شهر در شهر پیرانشهر پرداختند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد جهت تحلیل



یافته‌ها از آزمون t -test تک نمونه‌ای استفاده شده است با استفاده از آزمون میانگین محلات پانزده گانه شهر پیرانشهر از لحاظ تحقق حق به شهر رتبه بندی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نارضایتی شهروندان در دو مؤلفه حکمروایی شهری و دسترسی فضایی می‌باشد ولی در شاخص‌های شمولیت اجتماعی و سرزندگی شهری تا حدودی رضایت شهروندان را به همراه داشته است.

شارع‌پور و خدایاری مطلق (۱۳۹۵) «بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر» می‌باشد. که هدف مطالعه بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر نحوه استفاده از حق به شهر بوده است. روش تحقیق از نوع پیمایشی که از تکنیک پرسشنامه با حجم نمونه ۳۰۵ نفر، استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که ۳۲٪ از تغییرات حق به شهر توسط جنس، سن، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مدت اقامت و شاخص کیفیت فضا نقش اساسی در تبیین میزان تحقق حق به شهر دارند. و نیازهای روحی و روانی برای شهروندان مهمتر از نیازهای اقتصادی است.

ساسان‌پور و لطیفی (۱۳۹۵)، در پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی تحت عنوان تحلیل زیست‌پذیری در مناطق کلان‌شهر اهواز با هدف بررسی زیست‌پذیری مناطق کلان‌شهر اهواز در راستای توسعه پایدار پرداختند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری شامل مناطق و شهروندان کلان‌شهر اهواز می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌پذیری کلان‌شهر اهواز در هر چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در حد نامطلوب ارزیابی شده است. که این روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت.

تولایی و خزاعی‌نژاد (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران مورد پژوهش: محله‌های منطقه ۱۲، روش این پژوهش پیمایشی می‌باشد و ۳۸۲ پرسشنامه در میان ساکنین محله‌ها به روش تصادفی توزیع گردیده است. نتایج نشان می‌دهد در بعد اقتصادی محله‌های کوثر و آبخار نامطلوب‌ترین و محله‌های ایران و قیام مطلوب‌ترین. در بعد اجتماعی محله شهید هرنندی بدترین وضعیت و محله‌های قیام و ایران زیست‌پذیرترین محله‌ها. در بعد تاریخی نازیست‌پذیرترین محله کوثر و مطلوب‌ترین محله‌ها سنگلج. در بعد خدمات و زیرساخت‌ها، نامطلوب‌ترین محله‌ها پامنار و بهارستان و مطلوب‌ترین محله قیام. در بعد محیطی نامطلوب‌ترین محله بازار و امامزاده یحیی و مطلوب‌ترین قیام و سنگلج. و در بعد مدیریت شهری نازیست‌پذیرترین محله بازار و زیست‌پذیرترین محله پامنار و ایران می‌باشد.

رهبری و شارع‌پور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از حق به شهر در تهران پرداخته‌اند. نویسندگان به ارائه یک چهارچوب مفهومی برگرفته از لوفور پیرامون حق به شهر اقدام کرده‌اند. در این پژوهش، نگارندگان با استفاده از روش‌های کمی مانند تکنیک رگرسیون چند متغیره، مدل مفهومی ارائه شده بر اساس نظریه لوفور را مورد آزمون قرار داده‌اند. ضمن این که با بررسی ارتباط میان مفهوم جنسیت و ادراک شهروندان از بهره‌مندی از حق به شهر نشان داده‌اند که حق به شهر اساساً مفهومی جنسیتی است و زنان تهرانی نسبت به مردان تهرانی شانس کمتری برای احساس بهره‌مندی از آن دارند. در این اثر به این نتیجه رسیده‌اند که بهره‌مندی زنان از حق به شهر نیز کمتر از مردان است.

لسوتیس (۲۰۲۰) شهر تته موزامبیک که کارگران حضور کارکنان معدنی عدالت فضایی را در این شهر از بین برده و مشکلاتی را از طریق تغییرات کاربری های گسترده ناشی از رشد شهری به همراه آورده است. برای چنین شهری می توان مقابله با مشکلات شهری را به عنوان راهکاری برای رفع معضلات عدالت فضایی مطرح نمود. دیازپارا و لاور (۲۰۲۰) شهرهایی که نسبتاً مهاجران حومه نشین بیشتری می پذیرند امکان تعمیق نابرابر در دسترسی به حق به شهر در بین شهروندان افزایش می یابد. زنلا و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان رزیابی زیست پذیری شهری در ارتباط با اثرات رفاه انسانی و محیطی، برای ارزیابی زیست پذیری می بایست از شاخص ترکیبی استفاده کرد که بطور همزمان می بایست رفاه انسانی و هم ابعاد محیطی را بررسی کرد. بیبری^۴ (۲۰۱۹) در مقاله ای با عنوان مروری بر پایداری شهرهای هوشمند و هوشمندتر در عصر کلان داده ها، مطالعه ادبیات بین رشته ای و فرا رشته ای پرداخته است. کوزاریان و والته^۵ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان زیست پذیری و رفاه ذهنی در شهرهای اروپا پرداخته اند، در این پژوهش آن ها شهرهای شمالی اروپا را دارای رفاه ذهنی بیشتر ارزیابی نموده و معتقدند شهرهای کوچک اروپایی زیست پذیری و رفاه ذهنی بالاتری دارند. سوفسکا^۶ (۲۰۱۷) درک زیست پذیری در شهر از طریق روش های هوشمند برنامه ریزی شهری به سوی آینده زیست پذیر پایدار، شهرهای هوشمند فرصت های فراوانی را برای زیست پذیری آینده شهرها فراهم می کنند. و این هم از طریق کاربرد تکنولوژی و اینترنت و هم از طریق افزایش انعطاف پذیری محیط های شهری به واسطه کارایی بیشتر و توسعه ایداعات فراهم می شود. ایزار^۷ (۲۰۱۹) سیاست گذاری حق-محور در زمینه تخصیص زمین برای توسعه شهری را راهکاری برای رفع نارضایتی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان مورد-توجه قرارداد. جبارین^۸ (۲۰۱۴) ارزیابی حق به شهر در شهرهای عربی فلسطین که نابرابری در دسترسی به حقوق شهروندی در آنجا ریشه های قومیتی دارد. با توجه به اینکه عمده محله های محروم با مناطق سکونت شهروندان غیر بومی منطبق است. مارکوزه پیتر^۱ (۲۰۱۰) حق زندگی در شهر و حق نسبت به شهر است. وی معتقد است که تفاوت بارزی میان حق زندگی در شهر و حق نسبت به شهر وجود دارد. می توان گفت اول (حق زندگی در شهر) به صورت جمعی و دومی (حق نسبت به شهر) به صورت فردی ارائه می شود. همچنین تفاوت های سیاسی و استراتژیک میان ابهامات موجود و ماهیت آن ها را نشان می دهد. به نظر نویسنده این مطالعه هر یک از این حقوق به یکدیگر وابسته هستند. همانطوری که ما بر این عقیده ایم که احتمال دارد دنیای دیگری باشد و زندگی شهری دیگری نیز به تبع آن وجود داشته باشد.

1-Lesutis

2-Diaz-Parra & Lover

3-Zenalla et al

4-Bibari

5-Kozaryan & Valente

6-Sofeska

7-Izar

8-Marcuse peter



مبانی نظری

مفهوم زیست‌پذیری

زیست‌پذیری مفهومی کلی است که تاکنون تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. بیشتر محققین آن را مفهومی دشوار برای اندازه‌گیری و تعریف بیان کرده‌اند. چنانکه ساوتورث معتقد است زیست‌پذیری مفهومی نسبتاً مبهم است که توسط افراد مختلف به صورت‌های گوناگون تفسیر می‌شود و هیلن ضمن اشاره به عدم توافق درباره ابعاد و ویژگی‌های زیست‌پذیری، آن را همچون چتری می‌داند که معانی متفاوت را در بر می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از تعاریف ارائه شده به اجمال آورده شده تا ضمن نشان دادن تنوع موجود، در رسیدن به تعریف و درک و بینش جامع‌تر کمک کند (تولایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹).

جدول ۱- برخی از تعاریف ارائه شده درباره زیست‌پذیری و شهر زیست‌پذیر

پژوهشگر	تخصص	مکان	سال	تعریف
Marsman and Leidemeijer	محیط زیست	هلند	2001	ارزیابی مطلوب ساکنان از محیط زندگی را اساس زیست‌پذیری می‌دانند.
Evans	جغرافیا	استرالیا	2002	زیست‌پذیری سکه‌ای است که دو رو دارد: معیشت یک روی آن و پایداری بوم‌شناختی روی دیگر آن است. بنابراین، شهر زیست‌پذیر باید هر دو روی سکه را با هم داشته باشد و معیشت شهروندان رادر کنار حفاظت از کیفیت محیط زیست آنها تأمین کند.
Throsby	اقتصاد	استرالیا	2005	زیست‌پذیری مجموعه ویژگی‌هایی است که محیط شهر را به مکانی جذاب برای زندگی تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها می‌تواند به ویژگی‌های قابل لمس (دسترسی به زیر-ساختهای شهری) و ویژگی‌های غیرقابل لمس (حس مکان، هویت محلی و...) تقسیم شود.
عبدالصمد هادی	جغرافیا	مالزی	2005	زیست‌پذیری به رفاه فیزیکی، اجتماعی و روانی کمک می‌کند و باعث توسعه فردی همه ساکنان یک شهر، روستا یا منطقه می‌شود و اصول کلیدی آن مشتمل بر عدالت، کرامت، دسترسی، صمیمیت، مشارکت و توانمندسازی است.
Robert Cowan	شهرسازی	انگلستان	2005	شهر زیست‌پذیر شهری مناسب برای زندگی و فراهم آوردن کیفیت مطلوب زندگی است.
Heylen	اقتصاد	بلژیک	2006	زیست‌پذیری به نگاه فرد به محیط زیستش مرتبط است و لذا دربرگیرنده ارزیابی ذهنی فرد از کیفیت محل زندگی است.

مرور تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد، هرچند تاکنون اجماع نظر در تعریف زیست‌پذیری به وجود نیامده است، اما در تعاریف ارائه شده مشترکاتی چون تأمین رفاه و رضایت ساکنان، کیفیت زندگی، تأمین نیازهای گوناگون، دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت بخش و... به چشم می‌خورد.

مفهوم حق به شهر

حق به شهر یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری می‌شود. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی (Jabareen, 2014, 135)، تنها به دلیل انسان بودن شایسته‌ی بهره‌مندی از این حق است (Simone, 2006, 321). تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود (Sharepour & Khanyari, 2016: 138) در حالی که مشارکت در شهر با دخالت داشتن در سیاست‌گذاری‌های شهری، تصمیم‌گیری در مورد مسائل فضایی، کالبدی و اقتصادی شهری و مالکیت و کنترل بخشی از این فضا ممکن می‌شود (Izar, 2019, 47). امروزه به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است (Meriläinen, 2020, 187). لذا در راستای تحقق هرچه بیشتر این حق، امروزه در اداره امور شهرها بهره‌گیری از الگوی حکمروایی خوب شهری (Ziari et al, 2018: 1) که در آن دولت‌ها، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان افقی و فرابخشی به مشارکت پردازند، به‌عنوان پارادایمی در نظام مدیریت و حکمروایی شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Taghavi & Habibi, 2018: 46).

مواد و روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف بنیادی- نظری و داده‌های آن، به روش کتابخانه‌ای - اسنادی (نظیر کتاب‌ها، رساله‌ها، طرح‌ها، مقالات، سایت‌های علمی و منابع الکترونیکی) فراهم آمده است. با توجه به گستردگی مباحث و رویکردهای تبیینی موجود در این زمینه، در این پژوهش تنها آن دسته از تحقیقاتی که تناسب بیشتری با موضوع تحقیق حاضر داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس به بررسی نظریات هانری لوفور حق به شهر و نظریه کوین لینچ، مارکوزه، تووی فنستر، هاروی و... همچنین مفاهیم پشتیبان و نزدیک به زیست‌پذیری همچون توسعه پایدار، شهر سالم، نوشهرگرایی، رشد هوشمند و شهر فشرده پرداخته شده است.



یافته های تحقیق

مدل های سنجش زیست پذیری

در این قسمت به اختصار به معرفی و بررسی مدل های سنجش زیست پذیری که در سطح جهانی مورد قبول و استفاده قرار گرفته اند، می پردازیم.

مدل وینهوون^۱

رووت وینهوون در مقاله‌ای با عنوان چهار کیفیت زندگی، به بررسی تفصیلی انواع کیفیت زندگی پرداخته است. وی چهار نوع کیفیت زندگی را بر اساس درونی یا بیرونی بودن نسبت به انسان در نظر گرفت که به شرح زیر است:

جدول ۲- مدل وینهوون

فرصت های بیرونی	فرصت های درونی
محیط زیست پذیر	توان فرد برای زندگی
بعد اکولوژیکی: اقلیم مناسب، هوای تمیز، مسکن مناسب و جادار	سلامت فیزیکی و سلامت روانی فرد
بعد اجتماعی: آزادی، برابری و برادری	پرانرژی و انعطاف پذیر بودن
بعد اقتصادی: کشور ثروتمند، امنیت اقتصادی، توسعه اقتصادی	نداشتن بیماری های روانی
بعد فرهنگی: شکوفایی هنر و علم، آموزش های همگانی	نداشتن بیماری های جسمی
	داشتن استقلال و خلاقیت
	داشتن سواد و آموزش رسمی مدرسه
	داشتن مهارت های مختلف
برای نزدیکان: مانند پرورش کودکان و مراقبت از دوستان	لذت از زندگی
برای جامعه: مانند شهروند خوب بودن	رضایت از ابعاد مختلف زندگی: مانند رضایت از کار
برای نوع بشر: مانند انجام یه اختراع	حالات روانی متفاوت: مانند ناراحتی و یا خوشحالی و رضایت از زندگی
رضایت درونی: مانند اعتبار، اعتماد به نفس	

شانس های
زندگی

نتایج زندگی

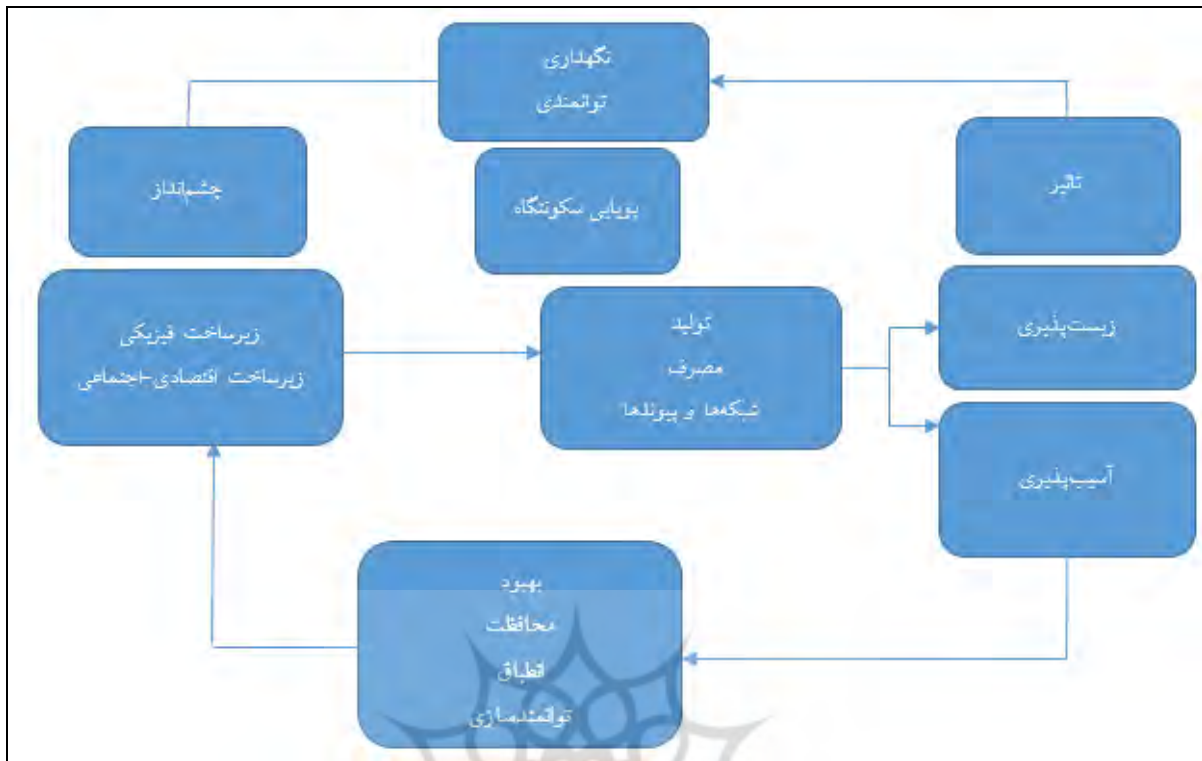
ماخذ: 4: veenhoven, 2001

در نیمه بالایی جدول ۲، نوع کیفیت زندگی بالقوه نشان داده شده است که نشان دهنده فرصت های بیرونی در محیط و توان درونی برای بهره برداری از آن ها است. فرصت های بیرونی با اصطلاح زیست پذیری و فرصت های درونی با اصطلاح توان زندگی نشان داده شده اند. نیمه پایین جدول مربوط به کیفیت زندگی با تاکید بر نتایج آن است که به وسیله ارزش آن ها برای

محیط و یا برای افراد، مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد. ارزش بیرونی زندگی با اصطلاح فایده زندگی و ارزش درونی آن با اصطلاح لذت زندگی عنوان شده است (veenhoven, 2001: 4).

مدل متابولیزم شهری

مفهوم متابولیزم شهری اولین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ولمن معرفی و بعدها توسط نیومن و کن وورسی توسعه داده شد (Shaharudin, 2008: 4). ولمن محیط زیست شهر را به عنوان یک اکوسیستم در نظر گرفت و به اندازه گیری فعالیت های سوخت و ساز در آن پرداخت. بر مبنای کار وی، متابولیزم شهری می‌تواند برای تعیین میزان زیست پذیری و نیز آسیب پذیری نواحی مورد مطالعه قرار گیرد. این مدل بر مبنای قوانین ترمودینامیک است که نشان می‌دهد هر چیزی که وارد یک سیستم بیولوژیکی شود باید از آن عبور نماید و مقدار ضایعات آن نیز بستگی به میزان منابع مصرف شده دارد این مدل بر مبنای نمودار شماره ۱، دارای ویژگی هایی چون هدف محوری (افزایش زیست پذیری و کاهش ضایعات)، توان افزایشی در جهت بکارگیری معیارهای مناسب (استانداردها و شاخص‌ها)، بخش های اصلی یک سکونتگاه (بهداشت، حمل و نقل، مسکن) و دارای تفکر سیستمی است. این نمودار شهرها و حومه ها را به عنوان سیستم هایی در نظر می‌گیرد که نیازمند ورودی از منابع کلیدی هستند. این ورودی ها در فرآیندهای خانگی و صنعتی یا شهری و دولتی و برای تولید دو دسته خروجی به کار گرفته می‌شوند. خروجی اول زیست پذیری است که هدف آن، بهبود شاخص ها در طول زمان است. دسته دوم از خروجی ها، ضایعات هستند که کاهش و از بین بردن آنها در طول زمان مطلوب است. زیست پذیری در این مدل به معنی نیازمندی های بشری برای تأمین تسهیلات اجتماعی، بهداشت و رفاه در گستره محیط انسان ساخت و طبیعی است (تولایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۵).



نمودار ۱- مدل ساده متابولیزم شهری برای شهر زیست پذیر

ماخذ: Shaharudin & et al, 2008:4

مدل سنجش زیست‌پذیری شهرداری‌های کانادا

این مدل می‌کوشد تا از چشم‌اندازی عینی به بررسی زیست‌پذیری بپردازد؛ چراکه معتقد است زیست‌پذیری به وسیله تجارب زندگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این مدل با بررسی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مناطق تحت نظر شهرداری‌ها آغاز می‌شود و دیگر قلمروهای کمی و عینی مانند محیط فیزیکی، خدمات عمومی، مسکن، بهداشت، امنیت، جرم و جنایت، آموزش و تفریح و فراغت را نیز در بر می‌گیرد. اما این عوامل، تنها نشان‌دهنده بخشی از وضعیت موجود شهر هستند. از این رو ویژگی‌های افراد و گروه‌ها در ادراک ارزش‌های مربوط به هر یک از این عوامل نیز تأثیرگذار هستند. بنابراین ویژگی‌هایی مانند درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی، قومیت، مذهب، جنسیت و سن نیز باید در نظر گرفته شوند. همه این ویژگی‌ها ابعادی از تجارب، ارزش‌ها و انتظارات و آرزوهای افراد را تشکیل می‌دهند. چارچوب مفهومی این مدل دارای جامعیت و پیچیدگی است. مبنای ساختار این مدل از برنامه به سوی کلانشهر زیست‌پذیر که توسط دپارتمان برنامه‌ریزی کلانشهر تورنتو تهیه شده‌اند، گرفته شده است. رویکرد این مدل برنامه‌ریزی چنین است که مسکن، کاربری اراضی، حمل و نقل، محیط طبیعی و اشتغال تحت عنوان کلی سیاست‌ها و برنامه‌ها، دارای تعامل هستند بر مبنای این مدل، سکونتگاه زیست‌پذیر به وسیله سه جزء به هم پیوسته رونق اقتصادی، بهداشتی اجتماعی و انسجام و یکپارچگی محیطی تعریف می‌شود. این مدل بر آن است که انطباق فرهنگی که به معنای میزان انطباق پدیده‌ها با انتظارات فرهنگی یک جامعه است، اثرات سه جزء دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چهار عامل

در این مدل به عنوان اجزای زیست پذیری در نظر گرفته می شوند. بخش سوم از این مدل تحت عنوان شاخص های مربوط به اجزای سه گانه زیست پذیری تعریف می شود (تولایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۶).



نمودار ۲- مدل سنجش زیست پذیری شهرداری های کانادا

مأخذ: تولایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۶

حمایت از حق به شهر در مجامع جهانی

در سال ۱۹۹۶ مفهوم حق به شهر در اجلاس بین المللی هیبتات در استانبول به صورت روشنی مطرح شد و حق به مسکن برای اولین بار بررسی شد و سپس در سال ۲۰۰۴ منشور جهانی حق به شهر ارائه شد (Dener, 2012:90) (جدول ۳).

جدول ۳ - بخش های مختلف منشور جهانی حق به شهر

بخش ها	ماده	موضوع
بخش اول (گرایش های کلی)	۱	حق به شهر
	۲	اصول حق به شهر
بخش دوم	۳	توسعه شهری عادلانه و پایدار
(حقوق مرتبط با مدیریت شهرها)	۴	مشارکت در طرح بودجه شهر
	۵	شفافیت در مدیریت شهر
	۶	حق به اطلاعات عمومی
	۷	آزادی و تمامیت



مشارکت سیاسی	۸	
حق استفاده تجمع کردن، گردهمایی کردن، بروز دادن دموکراتیک در فضای عمومی شهری	۹	
حق عدالت	۱۰	بخش سوم (حقوق سیاسی و مدنی شهرها)
حق به امنیت عمومی و همزیستی مسالمت آمیز بر اساس صلح، همبستگی و چندفرهنگی	۱۱	
دسترسی به خدمات عمومی شهری و خانگی و تأمین آنها	۱۲	
حق به حمل و نقل عمومی	۱۳	
حق به مسکن	۱۴	بخش چهارم (حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به شهر)
حق به آموزش	۱۵	
حق به کار	۱۶	
حق به فرهنگ و اوقات فراغت	۱۷	
حق به سلامت	۱۸	
حق به محیط‌زیست	۱۹	
تدابیری برای تحقق حق به شهر	۲۰	بخش پنجم (گرایش‌های نهایی)
نقض حق به شهر	۲۱	
قانونی بودن حق به شهر	۲۲	
تعهدات با منشور حق به شهر	۲۳	

ماخذ: World Charter for the right to the city, 2004

برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد اصول اساسی حق به شهر را غیرقابل تقسیم بودن حقوق بشر؛ عدم تبعیض و فراگیر؛ اولویت دهی به گروه‌های آسیب پذیر و به حاشیه رانده شده و برابری جنسیتی می‌داند (Un-HABITAT, 2008:133).

نظریه پردازان حق به شهر

هانری لوفور

مفهوم حق به شهر که یکی از جنجالی‌ترین و شناخته شده‌ترین مفاهیم مطرح شده توسط لوفور است و در کتابی به همین عنوان در سال ۱۹۶۷ میلادی، درست یکسال پس از خیزش جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در اروپا و آمریکا به چاپ رسید. این کتاب که درست یک قرن بعد از کتاب سرمایه مارکس به چاپ رسید؛ به نوعی بزرگداشت و در امتداد این اثر محسوب

^۱-کتاب سرمایه نوشته ی مارکس و انگلس برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است.

میشود. این کتاب که تبدیل به شعاری اجتماعی برای فعالان شهری شده است، بر انگیزاننده‌ی مباحث علمی و اجتماعی بسیاری در حوزه نابرابری‌های شهری شده است. لوفور حق به شهر را درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری می‌داند (گافمن و لباس، ۱۹۹۶: ۱۵۶). هاروی مفهوم حق به شهر را این گونه توضیح می‌دهد: حق به شهر بسیار فراتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهری است؛ بلکه حق به تغییر شهر برای ایجاد تغییر در خودمان است. این حق پیش از آن که فردی باشد اشتراکی است چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای باز شکل دهی به فرایندهای شهری است. آزاد ساختن و بازسازی شهر و خودمان به نظر من یکی از ارزشمندترین حقوق بشری است که بسیار مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است (هاروی، ۲۰۰۸: ۲۴). به نظر میرسد که برای لوفور، نه خانه بلکه شهر است که ایجاد کننده وجود و خودآگاهی شمرده میشود (گافمن و لباس، ۱۹۹۶: ۸). در حق به شهر هاروی لوفور این مسئله را مطرح میکند که پراکسیس شهری نیازمند هم زمانی و هم مکانی است که در آن جریان روابط هر روزه‌ی زندگی و تعاملات اجتماعی ممکن می‌شود. طراحان شهری نمی‌توانند پراکسیس را طراحی کنند اما می‌توانند فضای مناسب آن را ایجاد کنند و راه را برای انجام آن فراهم کنند.

دیوید هاروی

استاد دانشگاه ایالتی نیویورک که به عنوان یکی از برترین جغرافیدانان و متفکران علوم اجتماعی دنیای امروز، به دلیل برداشت‌های نئومارکسیستی خود از مفهوم حق به شهر نیز شهرت دارد. هاروی از خلال ارائه یک روایت تاریخی از رشد سرمایه داری در شهر و در قالب سرمایه گذاری املاک و مستغلات، ایده خود را از حق به شهر لوفور تشریح می‌کند. او معتقد است که بسیاری از بحران‌های مالی در ۳۰ سال اخیر ریشه در مسائل شهری و بحران‌های زمین و مسکن داشته‌اند. به طوری که در دهه ۱۹۹۰، مازاد پول بسیار زیادی در دنیا به دست آمد که جایی برای خرج کردن آن وجود نداشت. لذا با تکیه بر روایت مالی سرمایه داری و مستغلات، نظریه تولید فضای لوفور را بسط داد و بارها برای صورت بندی اقتصاد سیاسی فضا به آن مراجعه و این بسط را به مفهوم گزاره‌ای از رابرت پارک جامعه شناس شهری ارجاع داد که: شهر موفق‌ترین تلاش بشر برای شکل دادن به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و این مهم را مطابق میل خود شکل می‌دهد. اما اگر شهر جهانی باشد که انسان آن را خلق کرده است، در عین حال جهانی است که انسان محکوم است از این پس در آن زندگی کند. بنابراین انسان بدون داشتن درک درست از ماهیت کاری که انجام داده با ساختن شهر، خود را نیز بازآفرینی کرده است (تقوی و حبیبی، ۱۳۹۷: ۳۸). هاروی اینگونه به مفهوم حق به شهر وارد می‌شود که شهر در دوران مدرن همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. از سویی تنها جایگاه زیستی است که بر ساخته امیال و آرزوهای انسانی برای اجتماعی زیستن بوده است، و از سوی دیگر مکان تبلور عینی بسیاری ناکامی‌ها و تبعیض‌های ضد انسانی است. فضای شهری در عصر سلطه سرمایه داری مملو از تناقض شده به طوری که در روابط تولیدی سرمایه داری همه چیز به کالا تبدیل می‌شود، فضای شهری نیز به



یکی از راهبردی‌ترین کالاهای آن تبدیل گشته است. سرمایه داری در بطن خود به خصوصیات متناقض دامن زده و نمی‌تواند خواسته ساکنان و شهروندان شهر برای دست‌یابی به مسکن شایسته و فضای سکونتی مطلوب را پاسخگو باشد. چنین مطالبه‌ای در کنار تناقضات درونی به ناچار راه به نوع دیگری از شهر و فضای شهری می‌گشاید، فضایی که در آن ارزش استفاده، خود را بر ارزش مبادله تحمیل می‌کند، مانند انقلاب‌ها، اعتراض‌ها و کنش‌هایی که شهر زمینه آن را فراهم آورده است. لذا شهر در ذات خود واجد امکانات رهایی‌بخش است، امکاناتی خارج از سیطره ایدئولوژی فروکاهنده سرمایه داری که خود را، چه در جنبش‌های اعتراضی و چه در زندگی روزمره شهری، به نمایش می‌گذارند. هاروی برخلاف لوفور، بقای سرمایه داری در تولید فضا که در سلب مالکیت فضا می‌بیند و از همین ایده حق به شهر را در شهرهای امروز به طور روزافزونی از دست رفته می‌یابد. مثال تاریخی سلب مالکیت اقدامات بارون هوسمان در پاریس است که به نام نوسازی و بهسازی مدنی آلونک‌ها و محله‌های فقیرنشین این شهر را ویران و عامدانه طبقه کارگر و عناصر متمرد را از مرکز شهر جابجا کرد (تقوی و حبیبی، ۱۳۹۷: ۳۹). هاروی همچنین موضوع دیگری را در بیانیه حق به شهر خویش مطرح و بیان می‌کند که «مصرف فضا» در مقابل «فضای مصرفی» وجود دارد. اگر از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی به آن نگاه کنیم، پدیده مصرف فضا در اولویت است، ولی اقتصاد سیاسی «فضای مصرفی» را مطرح و مهم می‌داند، همانطور که امروزه در طرح‌های شهری معاصر و در بحث بازآفرینی شهری شاهد آن هستیم. از دیدگاه فضای مصرفی، هر چه سودآورتر بهتر ولی از زاویه مصرف فضا برخورد دیگری را می‌طلبد. بنابراین حق به شهر حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است. به علاوه این حق امری است عمومی و نه فردی زیرا از بدو پیدایش، شهرها از طریق تمرکز جغرافیایی و اجتماعی تولید اضافی به وجود آمده‌اند. بنابراین توسعه شهری همیشه پدیده‌ای طبقاتی بوده است، وضعیتی عمومی که امروزه تحت نظام سرمایه داری در حال ادامه یافتن است. در حالی که شهروند حق تغییر شهر و فضاهای شهری را دارد و به همین دلیل است که در سال ۲۰۰۴ سازمان ملل، منشور حق به شهر را تهیه و به کشورهای ابلاغ کرد و آن را جز حقوق بشر قرار داد. حق داشتن شهر به مراتب بیشتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهری است: این حق است که با تغییر شهر خودمان را تغییر دهیم. علاوه بر این، این یک حق رایج است نه یک حق حقوقی، زیرا این تحول به ناچار وابسته به اعمال قدرت جمعی برای تغییر شکل روندهای شهرنشینی است. من می‌خواهم استدلال کنم که آزادی ساخت و بازسازی شهرها و شهرکها یکی از با ارزش‌ترین و در عین حال بی‌توجه‌ترین حقوق بشر است (David Harvey, 2008: 43).

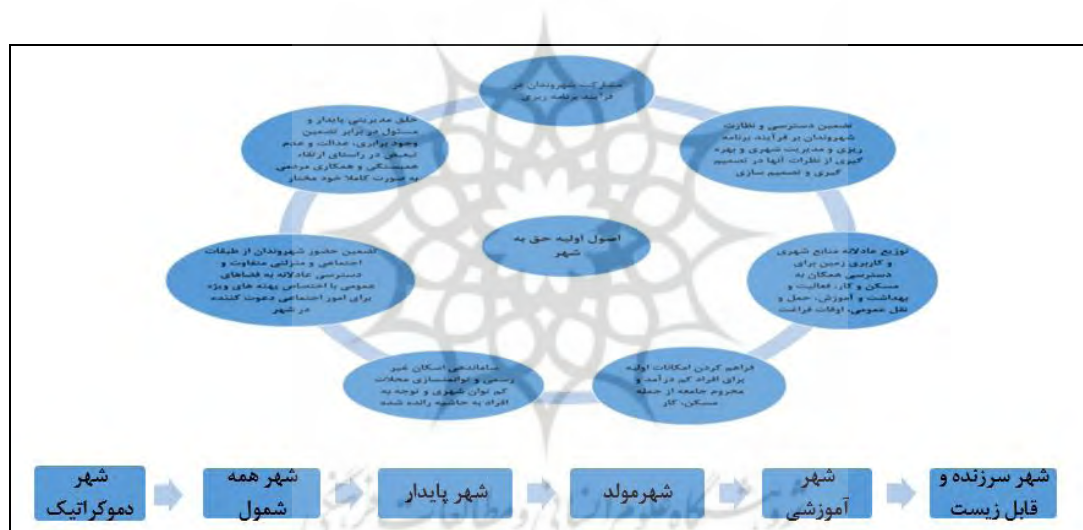
مارک پورسل

مارک پورسل استاد دپارتمان طراحی و برنامه‌ریزی دانشگاه واشنگتن، یکی از برجسته‌ترین مفسران آرای لوفور و مفهوم حق به شهر اوست که غالباً این مفهوم را به عنوان ال‌ترناتیوی برای شهروندی ارائه می‌کند. پورسل با بازخوانی آرای لوفور در شهرهای جهانی معاصر، احتمال استفاده از حق به شهر را به عنوان پیشنهادی امیدبخش برای مقابله با سلب حقوق در دوران نئولیبرالیسم شهری مورد بررسی قرار می‌دهد. کسی که با انتشار مقاله بازنشاسی لوفور مطرح می‌کند که حق به شهر در واقع یکی از استراتژی‌هایی است که می‌تواند برای بازسازی دموکراسی شهری در شهرهای جهانی به کار بسته شود. لذا حق به شهر در هر تصمیم‌گیری که منجر به تولید فضای شهری شود، نقش محوری به ساکنان اعطا می‌کند، به علاوه حق به شهر

در شهرهای جهانی معاصر، نمایانگر حق ساکنان برای دسترسی کالبدی، تصرف و استفاده از فضای شهری جهت تأمین نیازهای خودشان می باشد. بنابه استدلال پورسل، حق به شهر برای همه کسانی است که در شهر زندگی می کنند و بخشی از تجربه و فضای زیست را تشکیل می دهند. که لزوماً مسائل مربوط به مقیاس و اینکه چطور و چه گروه هایی را می توان بخشی از کلیت تجربه زیست شده به حساب آورد، را موجب می شود. (تقوی و حبیبی، ۱۳۹۷: ۴۱).

دن میشل

دن میشل استاد دانشگاه سیراکیوز در ایالت نیویورک است که به طور ویژه در کتاب "حق به شهر مشخص، عدالت اجتماعی و پیکار برای فضای همگانی" به حق به شهر توجه کرده و آن را در سال ۲۰۰۳ چاپ کرده است. او در این کتاب به صداقت بیان می کند که تعلق شهر به تمامی ساکنان (چه شهروند چه غیر شهروند، چه قانونی و چه غیرقانونی از نظر مقامات دولتی و شهری) حق طبیعی مسلم آنها است.



نمودار ۳- ارائه اصول حق به شهر

مأخذ: تقوی و حبیبی، ۱۳۹۷: ۴۶

با توجه به مفاهیم، نظرات و نمودار فوق، مفهوم حق به شهر به عنوان یک پارادایم رادیکال به دنبال ایجاد تغییرات مفهومی در بستر شهروندی شهرهای امروزی است.

کوپن لینچ

کوپن لینچ از جمله پژوهشگران و نظریه پردازانی است که در تدوین و ترویج مبانی و مفاهیم مربوط به «زیبا شناسی شهری» و «ادراک سیمای شهر» نقش مهمی را ایفا نموده است. وی معتقد است که شهر مانند بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا شکل می گیرد با این تفاوت که مقیاسی بزرگ تر دارد و تنها با گذشت زمان شکل و سیمای نهایی خود را می یابد. لینچ به جای اهداف اقتصادی به مناسبات انسانی و اجتماعی توجه داشته



است. از نظر او فضای شهری وسیله ای است برای برقراری ارتباطات اجتماعی که افراد از طریق آن اطلاعات، ارزشها، احساسات و یا رفتار مورد نظر را به دیگران انتقال می دهند. ظاهر محیط های شهری و عوامل متحرک در آن خاصه مردم و فعالیت های آن، استفاده کنندگان از فضا را تحت تأثیر قرار می دهد. لینچ معتقد است که فضا باید دارای هویت قابل ادراک، قابل شناسایی به یاد ماندنی و واضح و نمایان باشد. (به نقل از خدایاری و شارع پور، ۱۳۹۵: ۳۴).

پیتر مارکوزه

پیتر مارکوزه، پسر فیلسوف و نظریه پرداز انتقادی هربرت مارکوزه، وکیل و استاد بازنشسته آلمانی-آمریکایی برنامه ریزی شهری است. از جمله آثار او میتوان به از ایالتها و کشورها تقسیم: فضای شهری در سال ۲۰۰۲، شهرها برای مردم نه برای سود: نظریه شهری انتقادی و حق به شهردر سال ۲۰۱۲ و در دفاع از مسکن: سیاست های بحران در سال ۲۰۱۶ می توان اشاره کرد. پیتر مارکوزه تأکید می کند امروز دلایل راهبردی سیاسی برای فراهم کردن پایه های نظری برای خواسته های جدید جنبش حق به شهر وجود دارد که عبارت است از ملحق کردن افرادی که کنار گذاشته شده اند به آنهایی که به حساب آورده شده اند و با وجود عقب نشینی محافظه کارانه برنامه ریزی بعد از سال ۱۹۶۸، حق به شهر در عمل با خواسته های مشهودی که بعضی از آنها بر مفاهیم سنتی عدالت تکیه داشتند تو سعه پیدا کرد. مارکوزه توضیح میدهد حق به شهر، حق تولید شهر در عین لذت بردن از آن است و این دو وابسته و مرتبط به هم هستند و این حق صرفاً حق به یک انتخاب از چیزی که تولید شده بعد از تولید آن نیست بلکه حقی برای تعیین آنچه تولید می شود و نحوه تولید آن و مشارکت در تولیدش است (Erdi Lelandais, 2014).

تووی فنستر

تووی فنستر، استاد جغرافیای دپارتمان جغرافیا و محیط زیست دانشگاه تل آویو است. فنستر بر پایه تحقیقات خود در سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ در لندن و اورشلیم، از دید جنسیت به زندگی روزمره و حق به شهر می نگرد. وی اشاره می کند که حق به شهر جنسیتی به این معنی است که ارزیابی های حق به استفاده و حق به مشارکت باید شامل تمامی مباحث مربوط به روابط قدرت پدرسالارانه هم در فضای عمومی و هم در فضای خصوصی باشد و میزان آسیب رسانی چنین روابط قدرتی را به تحقق حق به شهر برای زنان، افراد اقلیتهای قومی و نژادی و ... در نظر بگیرد. از این دید بحث مذکور در مفهوم پردازی فعلی لوفور از حق به شهر مورد غفلت قرار گرفته که موجب نسبتاً خالی شدن این مفهوم می شود (Fenster, 2010).

ادوارد ویلیام سوچا

ادوارد سوچا جغرافیدان سیاسی پست مدرن و نظریه پرداز شهری در دانشکده برنامه ریزی UCLA است از جمله آثار او عبارت انداز جغرافیاهای پسامدرن: تأکید مجدد بر فضا در نظریه اجتماعی انتقادی در سال ۱۹۸۹، شهر: لس آنجلس و نظریه شهری در پایان قرن بیستم در سال ۱۹۹۶ مکان سوم: سفرهایی به لس آنجلس و دیگر مکانهای واقعی و تصور شده در سال ۱۹۹۶، پسامتروپولیس: مطالعات انتقادی شهرها و مناطق در سال ۲۰۰۰، در جست و جوی عدالت فضایی در سال ۲۰۱۰ به

سوی یک دموکراسی منطقه ای در سال ۲۰۱۱، عدالت فضایی و حق به شهر در سال ۲۰۱۱ و لس آنجلس من: از ساختار بندی مجدد شهر تا شهرنشینی منطقه ای در سال ۲۰۱۴، برای سوچا، حق به شهر متناظر با جست و جوی عدالت فضایی و دموکراسی و حقوق شهروندی در سطح شهر و منطقه کلان شهری است (Dybska&Baudry2015,3). در جدول (۴) به نکات کلیدی مطرح شده توسط نظریه پردازان حوزه عدالت پرداخته شده است.

جدول ۴- نظریه پردازان برجسته حوزه عدالت و نکات کلیدی نظریات آن‌ها

منابع	نکات کلیدی	ماهیت نظریه	نظریه پرداز
(Miraftab, 2012)	ساختار زدایی فرضیه وحدت حقوق و عدالت - تأکید بر فرم های حقوقی جمعی مبتنی بر گروه های اجتماعی خود اتکا و خود انگیزته همچون نظریه حق به شهر - رد تأثیر حقوق فردی منتج از مکتب لیبرالیسم بر بروز عدالت - تأکید بر ریشه افراد در قشر، جنسیت و ارتباطات فرهنگی	عدالت اجتماعی	آیریس یانگ
(Fainstein, 2014) (Rawls, 1971)	درخواست مطالبه برای برابری و انصاف - تخصیص منابع بر اساس اصل تفاوت	عدالت اجتماعی	جان رالز
(Fainstein, 2014) (Harvey & Potter, 2009)	نفی جنبه ایده آلیستی حقوق و عدالت - حق هدایت برابر - حفظ حقوق شهروندان کم درآمد - تساوی در تخصیص و بهره وری از فضاهای عمومی و خصوصی برای تمامی استفاده کنندگان شهری - لزوم تفهیم عدالت اجتماعی و شهرسازی در ارتباط با یکدیگر	عدالت اجتماعی و عدالت شهری	دیوید هاروی و اندی مریفیلد
(Fainstein, 2014)	تأکید بر سه اصل تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشورتی و انصاف برای بروز عدالت شهری - تأکید بر توزیع برابر منابع - برنامه ریزی و طراح به عنوان میانجی	عدالت شهری	سوزان فاینشتاین
(Mitchel, 2003)	فضاهای باز عمومی به عنوان عرصه ای برای تحقق عدالت شهری و دموکراسی شهری	حق به شهر و عدالت شهری	دون میشل
(Soja, 1996, 2010)	برابری، عدالت اجتماعی و آزادی در دسترسی به حقوق انسانی و امکانات موجود در فضا در بستری از مفهوم دیالکتیک فضایی - اجتماعی - تأکید بر سه اصل برابری، دموکراسی و تنوع جهت نیل به عدالت فضایی	عدالت فضایی	ادوارد سوچا
(Griffin et al., 2015)	تأکید بر ده اصل انصاف، انتخاب، دسترسی، مالکیت، ارتباط، تنوع، مشارکت، مشمولیت، تعلق، زیبایی و نوآوری خلاقانه به عنوان اصول بهبود بخش عدالت شهری	عدالت شهری	تونی گریفین



مفهوم حق شهروندی

تعریف مفهوم شهروندی و حق شهروندی نسبت به ایدئولوژی‌های گوناگون و روند تاریخی، متفاوت و همواره در حال تغییر بوده است. از تعریف لیبرال دموکراسی گرفته تا توصیف تئوری انتقادی از شهروند، این مسأله همواره مورد بحث و تکمیل و اصلاح است. در وسیع‌ترین معنی، مفهوم شهروندی حقوق و وظایف و عضویت در یک اجتماع سیاسی را شامل می‌شود. بسیاری از فلاسفه، مفهوم شهروندی را به عنوان یک وظیفه مطرح می‌کنند. به طور کلی امروزه تعریف مفهوم شهروندی و اعطای حقوق گوناگون مدنی، اجتماعی و سیاسی به شهروندان، بر پایه انگاره‌ی عضویت در دولت - ملت متکی به نظام لیبرال و به طور کلی کاپیتالیسم، مورد پرسش قرار گرفته و در کنار این انگاره، مفهوم شهروندی بر اساس نظریاتی نوین در حال باز تعریف شدن است. این نظریات، مفهوم شهروندی را در مقیاس شهری و با پیش فرض عضویت در با همستان‌های شهری در نظر می‌گیرند (حیدری و زارعی، ۱۳۹۸: ۱۵).

مفاهیم مرتبط با زیست‌پذیری

زیست‌پذیری و توسعه پایدار

اگرچه مفهوم زیست‌پذیری و توسعه پایدار دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشند، اما در بعد زمانی و مکانی دچار افتراق معنا می‌شوند، چرا که دغدغه اصلی توسعه پایدار تهدید آثار بلندمدت طراحی و برنامه‌ریزی در مقیاس جهانی است. دغدغه اصلی زیست‌پذیری در ارتباط با مکانی خاص و زمان حال است. در این میان سه رویکرد وجود دارد: گروهی این دو را در راستای یکدیگر میدانند، گروهی دیگر زیست‌پذیری را جزئی از اجزای توسعه پایدار دانسته و نهایتاً گروه آخر این دو را در تضاد کامل پایداری به حساب آورده و تحقق این دو را در کنار هم ناممکن می‌دانند در واقع زیست‌پذیری در مورد زمان "حال" یا "چیزی که قرار است روی دهد" مصداق پیدا می‌کند. مفهومی با استانداردهایی برای قابلیت زندگی که نه تنها از کشوری به کشور دیگر، بلکه از شهری به شهر دیگر متغیر است. به نظر می‌رسد زیست‌پذیری بیش تر ملموس است، و از این رو بیش تر دست یافتنی است (ساسان پورو همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۴).

نوشهرگرایی

نوشهرگرایی در اواخر قرن بیستم برای پاسخگویی به معضلات جامعه معاصر آمریکا از جمله عدم سرزندگی شهرها، حذف پیاده‌روها از برنامه‌ریزیها، وجود مناطق بی‌روح و مراکز بی‌هویت و از هم گسیخته در شهرها و مواردی از این دست مطرح شد. این رویکرد بیشتر بر اصول ساخت مکان، ساخت بافتهای سنتی شهری، ایجاد تصویری ذهنی از زندگی کوچک مقیاس و تنظیم و تعدیل برنامه‌ریزی‌های تجویزی متمرکز بود. کارهای متأخرتر نوشهرگرایی عمدتاً بر توسعه‌های درونزا و بسط جنبشها به محیطهای ساخته شده و تغییر چهره محلات شهر مرکزی متمرکز بود. این جنبش در عمل توانست علاوه بر به دست آوردن شهرت کافی در بازار، درجات بالایی از رضایت و زیست‌پذیری را برای ساکنان خود به ارمغان آورد هر چند که با انتقاداتی نیز مواجه شد (ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). برای نوشهرگراها نوشهرگرایی گزینه‌ای برای مقابله با

پراکندگی شهری، زوال و پژمردگی حمل و نقل خودرو محور، جدایی کاربری ها و عدم سرمایه گذاری در بخش مرکزی شهرهاست.

رشد هوشمند

منشا پیدایش نظریه رشد هوشمند در اصل اعتقاد بسیاری از برنامه ریزان مبنی بر پیامدهای نامطلوب رشد مداوم حومه های پراکنده بود که پیامدهایی چون گسترش نامحدود بیرونی، آلودگی هوا و ازدحام ترافیک، ناتوانی توسعه مجدد محله ها قدیمی، تفکیک کاربری ها و مواردی مشابه داشت. از این رو در اواسط دهه 1990، جنبشی به منظور هدایت و کنترل رشد شهری مورد توجه قرار گرفت که به نام رشد هوشمند شهرت یافت (تولایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۹). که بنا به تعریف آژانس حفاظت محیطی، رشد هوشمند رویکردی قاعده مند است که مدیریت رشد را با به کارگیری سیاست بالا بردن تراکم حوزه های توسعه یافته کنونی و محدود کردن ساخت و ساز در زمین های سبز به دست گرفته است. برخی از اقدامات این گروه به طور خاص برای ایجاد تغییر در پراکندگیها و بخشایش های غیر پایدار، توسعه آزادراه ها و حمایت از زیست پذیری شکل گرفته است عبارت اند از: حفاظت از منابع طبیعی موجود، متراکم سازی توسعه های شهری، تسهیلات عمومی مناسب و کافی، توسعه مسیرهای حمل و نقل، مقابله با پراکندگی و عدم انسجام شهرها، حفظ هویت و ارتقا کیفیت زندگی در بافتهای شهری، تاکید بر زندگی در اجتماع محلی و حفاظت از منابع طبیعی موجود (Hall, 2003: 33-47).

شهر فشرده

جنبش دیگر شهر فشرده است که در حفظ کردن حومه های شهری و محدود کردن رشد شهری نشأت گرفته است. راهبرد شهر فشرده عمدتاً بر تشویق توسعه درونی توسعه مجدد زمین های برون فیلد، متراکم سازی و حفاظت و صیانت از زمین و حفاظت از فضاهای باز و زمین های کشاورزی متمرکز بوده و به جای آنکه بر مسائل مقیاس محلی و یا رویکرد مبتنی بر مکان در خصوص زیست پذیری بپردازد، بیشتر متمایل به مقیاسهای منطقه ای است. هرچند طرفداران این نگرش به شهر، به شدت پراکندگی های شهری را مورد انتقاد قرار می دهند اما وندل کاکس پیشنهاد می دهد که فهم نوستالژیک از زیست پذیری از دست رفته افسانه ای بی بنیاد است (ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). از ویژگی های شهرهای فشرده این است که عموم مردم در فاصله پیاده روی با تسهیلات اجتماعی قرار دارند و یک سرویس حمل و نقل مناسب اتوبوس می تواند کارا و پاسخگوی نیازها باشد. علاوه بر این، توسعه اصلی بناها، خیابانها و فضاهای عمومی است که مردم را به مراکز شهری جذب می کند و نیز در خدمت حداکثر کارایی از نظر انرژی است. صرفاً تراکم نشان دهنده کیفیت شهری نیست. فرم های مختلف معماری اعم از بلوک های بلند در کنار ساختاری سنتی در خیابان و تعدادی بلوک شهری که یک فضای باز را محصور کرده اند، می توانند با تراکم یکسان ساخته شوند، اما کیفیت های کاملاً متنوعی را عرضه کنند (نوابخش و کفاشی، ۱۳۸۷: ۱).

شهر سالم

شهر سلامت جنبشی جهانی است که توسط سازمان بهداشت جهانی بر پایه یازده کیفیتی که خانه سازی تا ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی را در برگرفته و سلامت را فراتر از نبود بیماری و فقدان سلامت معرفی می نماید، بنیان گذاری شد. این

گروه با نگرش خاص به بحث پزشکی پیش گیرانه در حوزه سلامت اهمیت نقش محیط را در افزایش سلامت شهروندان مورد مطالعه قرار دادند. یازده کیفیت مورد تاکید این گروه عبارتند از: محیط کالبدی ایمن و پاکیزه، اکوسیستمی که امروز ایستا و در آینده پایدار است، انسجام اجتماعی، درجه بالای مشارکت، رفع نیازهای ابتدایی، اقتصادی فعال و خلاق، وابستگی به گذشته و تاریخ و هویت شهر، فرم شهری همساز با پیشینه تاریخی، بالا بودن میزان سلامتی (Encyclopedia of urban studies, 2010). گروه دیگر در تحقیقات زیست‌پذیری با تاکید بر نقش زمان، دوره زندگی شهروندان را از کودکی تا سالمندی را مورد مطالعه قرار داده و محیط را، زمانی زیست‌پذیر می‌دانند که نیازهای انسان را در بازه زمان زندگی برطرف نموده، فرصت زندگی بیشتری را در مکان برای افراد ارائه نماید. این گروه با طرح واژه پژمردگی در مکان محیطی را زیست‌پذیر می‌دانند که فرد بدون احساس وابستگی بتواند در محیط برای مدت‌های طولانی زندگی نموده و به پیری برسد.

شاخص‌های حق به شهر و زیست‌پذیری

شاخص‌ها از یک سو، ابزاری برای شناخت دقیق شرایط موجود در جامعه در یک مقطع زمانی اند و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تصویر روندها و دگرگونی‌هایی که طی دوره مشخص رخ داده است. چنان‌که اندازه‌گیری زیست‌پذیری در صورتی که بر اساس دانش و فرهنگ محلی هر مکان باشد، بسیار معنادارتر و مرتبط‌تر است. بر این اساس، توجه به مردم محلی هر مکان در مطالعه زیست‌پذیری از ضروریات است. معیارهای زیست‌پذیری همچنین با توجه به شرایط مکانی و زمانی مختلف، متفاوت اند. بنابراین، قابل تعویض با یکدیگر نیستند و باید توسط مردم در مکان‌ها و در مقیاس‌های زمانی مختلف مورد درک و سنجش قرار گیرند (Pandey, 2013: 374). بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده شاخص‌ها و متغیرهای زیر برای مطالعه زیست‌پذیری پیشنهاد می‌شود:

جدول ۵- شاخص‌ها و متغیرهای حق به شهر و زیست‌پذیری

ابعاد	شاخص‌ها
وضعیت مسکن	۱- اندازه واحد مسکونی ۲- نوع ساخت و طراحی مسکن ۳- وسایل خانگی و مبلمان مسکن ۴- امکانات و تأسیسات واحد مسکونی ۵- کیفیت نوسازی و استحکام واحد مسکونی ۶- وضعیت تعداد واحدهای مسکونی ۷- کنترل ساخت و سازها و تصمیمات مرتبط با فضاهای شهری ۸- روابط همسایگی در محل سکونت ۹- قیمت مسکن در محله ۱۰- اجاره بهای مسکن در محله ۱۱- امکانات و حمایت‌های دولتی برای خرید مسکن
حمل و نقل شهری	۱- وضعیت ترافیک ۲- کیفیت وسایل حمل و نقل عمومی ۳- هزینه حمل و نقل عمومی ۴- کیفیت خیابانها ۵- کیفیت مسیرهای پیاده
سلامت و بهداشت و درمان	۱- حمایت‌های بهداشتی و درمانی ۲- هزینه‌های بهداشت و درمان ۳- دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی ۴- دسترسی به پزشک متخصص ۵- سلامتی روحی، شادابی و خشنودی ۶- هزینه‌های بهداشت و درمان
تفریحات و سرگرمی‌ها	۱- مراکز تفریحی در محله ۲- خدمات ورزشی در محله ۳- توزیع امکانات شهری ۴- کیفیت برنامه‌ها

و فیلم های تلویزیونی صدا و سیما ۵- دسترسی به سینما ۶- دسترسی به برنامه ها و فیلم های ماهواره ای	
۱- روابط درون خانوادگی ۲- مشارکت و همفکری در تصمیم گیری های خانواده ۳- ارتباط و دیدار با خویشان و بستگان نزدیک ۴- تغذیه خانواده	وضعیت خانواده
۱- دسترسی به مدارس در محله ۲- کیفیت مدارس در محله ۳- دسترسی به کتابخانه و سالن مطالعه در محله ۴- کیفیت آموزش عالی در شهر	وضعیت آموزش
۱- هزینه های زندگی ۲- مقدار درآمد ۳- امنیت شغلی ۴- فاصله تا محل کار ۵- وضعیت اشتغال ۶- نرخ مالیات ۷- فاصله موجود میان فقیر و غنی در شهر ۸- فاصله تا محل کار	اشتغال و شرایط اقتصادی
۱- امنیت در ارتباط با جرم و جنایت ۲- امنیت زنان و کودکان در محله ۳- مراکز انتظامی و امنیتی ۴- تصادفات جاده ای و خیابانی ۵- خدمات آتش نشانی ۶- ایمنی ساختمانهای مسکونی در مقابل زلزله و بلایای طبیعی	وضعیت امنیت و ایمنی
۱- سازمان ها و نهادهای غیر دولتی (NGO) ۲- مشارکت در تصمیمات شورایی محله ۳- عملکرد شهرداری ۴- عملکرد شورای شهر ۵- عملکرد نماینده مجلس ۶- عملکرد دولت و مدیران دولتی ۷- عملکرد ادارات مختلف ۸- حقوق شهروندی ۹- امنیت سیاسی ۱۰- آزادی ادیان و مذاهب ۱۱- آزادی قومیت ها ۱۲- عدالت اجتماعی ۱۳- مشارکت مردم در تصمیم گیریهای شهری ۱۴- آزادی مطبوعات و رسانه ها	جامعه مدنی و حکمروایی شهری
۱- دسترسی به مراکز عرضه و فروش نیازهای روزانه ۲- دسترسی به مراکز خرید در سطح شهر ۳- کیفیت کالاهای مصرفی خود ۴- کیفیت اینترنت و سرعت دریافت اطلاعات ۵- خدمات پستی ۶- خدمات بانکی ۷- روشنایی و نور خیابانها و فضاهای شهری ۸- امکانات و مبلمان فضاهای شهری ۹- طراحی فضاهای عمومی مانند گذرگاه ها، مکانهای تفریحی و محله های شهر	امکانات و خدمات شهری
۱- آب آشامیدنی ۲- برق ۳- گاز ۴- تلفن ۵- سیستم دفع آبهای سطحی ۶- سیستم فاضلاب	تأسیسات و تجهیزات
۱- آلودگی هوا ۲- آلودگی صوتی ۳- کیفیت آب ۴- جمع آوری زباله در محله ۵- نخاله های ساختمانی ۶- سد معابر توسط فروشندگان سیار و دستفروشان ۷- نظافت بازار روز ۸- تعداد و کیفیت پارک ها و فضاهای سبز در محله خود	محیط زیست
۱- زندگی در محله ۲- زندگی در شهر ۳- تغییرات زندگی در چهار سال گذشته ۴- امید به بهتر شدن زندگی در آینده	رضایتمندی کلی

منبع: نگارنده

نتیجه گیری و پیشنهادها

مفهوم زیست‌پذیری و رویکرد حق به شهر از جنبه های مغفول مانده در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران است؛ زیرا در سایه‌ی مدیریت شهری سنتی، و عدم توجه به مفهوم حکمرانی خوب شهری، همواره دیدگاه‌های از بالا به پایین بر روند تصمیمات



حکومت محلی غلبه داشته است. از سوی دیگر مشکلات ناشی از رشد جمعیت و مهاجرت، تنوع گروه‌های مهاجر، عدم تطابق زیرساخت‌های شهری با حجم جمعیت‌پذیری شهری، دو قطبی شدن بافت‌های شهری به سستی و مدرن، عدم توجه به عدالت اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مدیران شهری، عدم تعادل در توزیع عادلانه خدمات در سطح محلات و... میزان زیست‌پذیری شهرهای ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. یکی از بزرگترین و مهمترین مشکلات شهری در قرن حاضر شرایط نامطلوب و نامناسب اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی در شهرهاست. در این مقاله به مفاهیم حق به شهر از دیدگاه نظریه پردازان غربی، و مفاهیم زیست‌پذیری و نظریه‌های نزدیک به زیست‌پذیری از جمله رشد هوشمند، نوشهرگرایی شهر فشرده، شهر سالم و توسعه پایدار پرداخته شده است. زیست‌پذیری اصول و شاخص‌های مختلفی از جمله فضاهای عمومی، کاربری مختلط، تنوع حمل و نقل، امنیت، مشارکت، هویت و حس تعلق به مکان، پیاده روی و... را مورد توجه قرار می‌دهد. از این رو ابعاد حمل و نقل شهری، وضعیت مسکن، سلامت و بهداشت و درمان، تفریحات و سرگرمی‌ها، اشتغال و شرایط اقتصادی، وضعیت امنیت و ایمنی، امکانات و خدمات شهری و... به همراه مجموعه شاخص‌ها و معیارهای آنها در شناخت وضع موجود مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله بر پایه برخی از معتبرترین منابع علمی، تلاش کرده است تا مهم‌ترین تعاریف و شاخص‌های ارائه شده در زمینه زیست‌پذیری در جهان را معرفی کند؛ هر چند تعاریف و شاخص‌های ارائه شده برای زیست‌پذیری از یک اجتماع به اجتماع دیگر متفاوت است و از این رو رسیدن به نظری فراگیر در این زمینه دشوار می‌نماید. شاید به اجمال بتوان گفت یک شهر زیست‌پذیر، یک شهر موفق است؛ شهری که در آن معضلات زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و... وجود ندارد، یا در کمترین حد ممکن است. علاوه بر این، ویژگی‌های زیر که به طور صریح یا ضمنی در چارچوب شاخص‌ها و متغیرهای مورد بحث این مقاله مفهوم می‌یابند و در یک مکان زیست‌پذیر محقق می‌شوند، عبارتند از: دسترسی مناسب و پیاده به زیرساخت‌ها، هوای پاک، مسکن مناسب، اشتغال، فضای سبز، تفریح و پارک، رستوران، فروشگاه و مرکز خرید، مطب پزشکی و مراکز درمانی، مراکز آموزشی و مدارس و بسیاری موارد مشابه دیگر. این امر به ساکنان محلات کمک می‌کند تا راحت‌تر به محل کارشان برسند، یا در محلات نزدیک محل کارشان سکونت‌گزینند و از این طریق در وقت و هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند، سبب کاهش آلودگی‌های محیطی شوند و زمان بیشتری را با خانواده و دوستان خود سپری کنند. در تصمیمات مدیریت شهری در جهت تأمین نیازهایشان مشارکت کنند و نسبت به مکان زندگی شان حس تعلق و دلبستگی دارند و با یکدیگر معاشرت می‌کنند. از این رو، مردم و مکان دو سوی قلمرو زیست‌پذیری قرار دارند. زیست‌پذیری بر تجربه انسان از مکان تأکید دارد و این تجارب را در ظرف مکان و زمان در نظر می‌گیرد. از این نظر، اتکای صرف بر داده‌های به دست آمده از مکان یا مردم به گمراهی و دور شدن از هدف زیست‌پذیری می‌انجامد. پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

۱- دسترسی همه شهروندان به زیرساخت‌ها، تأسیسات و خدمات شهری.

۲- در نظر گرفتن شاخص‌های عینی و ذهنی زیست‌پذیری شهری و حق به شهردر برنامه ریزی‌های شهری جهت افزایش کیفیت زندگی شهروندان.

۳- برنامه ریزان و طراحان شهری باید در خلق فضاهای مناسب که امکان بروز و حضور تمام گروه‌ها و ایجاد شهر سالم را به وجود می‌آورد بکوشند.

۴- ایجاد فضاهای عمومی شاد و سرزنده که موجب افزایش مشارکت مدنی و گرد هم آمدن مردم می‌گردد.





منابع و مأخذ:

۱. تولایی، سیمین، و خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۹۴). تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی تهران.
۲. تقوی، شیوا، و حبیبی، میترا (۱۳۹۷). کندوکاوی در نظام حکمروایی شایسته در راستای ارتقاء حق‌به‌شهر هر شهری برای افرادغنی، شهری است برای افراد فقیر. *مجله علمی تخصصی ایران چارسو*، شماره سوم.
۳. حیدری، فردین، و زارعی، مجید (۱۳۹۸). مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری شهروند مدار، *مجله منظر* ۱۱، ۲۳-۱۴.
۴. حیدری، محمدتقی، شماعتی، علی، ساسان‌پور، فرزانه، سلیمانی، محمد، واحدنژاد، روشنی (۱۳۹۳). تحلیل عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان). *فصل‌نامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی*، سال هفدهم، شماره ۵۷، ۱-۲۵.
۵. سلیمانی مهرنجانی، محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی، زنگانه، احمد، و خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. *نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری*، ۴(۱)، ۲۷-۵۰.
۶. ساسان‌پور، فرزانه، عزیزاده، سارا، و اعرابی مقدم، حوریه (۱۳۹۷). قابلیت‌سنجی زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل RALSPI. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸(۴۸)، ۲۴۱-۲۵۸.
۷. ساسان‌پور، فرزانه، و لطیفی، امید (۱۳۹۵). تحلیل زیست‌پذیری در مناطق کلان‌شهر اهواز، پایان‌نامه ارشد دانشگاه خوارزمی
۸. شارع‌پور، محمود، و رهبری، لادن (۱۳۹۴). جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرنستاین: بررسی جنسیتی بعد مشارکتی حق به شهر. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۵(۵۷).
۹. شارع‌پور، محمود، و خدایاری مطلق، صفیه (۱۳۹۵). بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق‌به‌شهر، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه مازندران.
۱۰. نوابخش، مهرداد، و کفاشی، مجید (۱۳۸۷). مفهوم شهرفشرده و فرم‌های شهری پایدار. *فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین*، ۵(۴)، ۱-۱۵.
۱۱. یغفوری، حسین، و کاشفی دوست، دیمن (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق‌به‌شهر (شهر پیرانشهر)، *فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۳۵)،
12. Diaz-Parra., I. & Jover., J. (2020) Overtourism, place alienation and the right to the city: insights from the historic centre of Seville, Spain, *Journal of Sustainable Tourism*, Published Online: 25 Jan 2020.
13. Dybska., A. & Baudry., S. (2015). Introduction: Spatial Justice and the Right to the City: Conflicts around Access to Public Urban Space, *European journal of American studies*, 10(3), 3-10.
14. Encyclopedia of urban studies, (2010). Ray Hutchison Pub University of Wisconsin, Green Bay.
15. Erdi Lelandais., G. (2014). Right to The City as an Urban Utopia? Practices of Every day Resistance in a Romani Neighbourhood in Istanbul. *Understanding the City. Henri Lefebvre and Urban Studies*.

- 16.Fenster., T. (2010). The Right to the City and Gendered Everyday Life, in Cities for All Proposals and Experiences towards the Right to the City, Sugranyes. A & Mathivet.C, *Habitat International Coalition*, HIC.p326.
- 17.Hall., p. (2003). *smart Growth on two continents*, in p Neal. ed. Urban villages and the making of communities spon press London.
18. Harvey., D. (2008). Debates and Developments: The Right to The City, *International Journal of Urban and Regional*, 27(4), 939-941.
- 19.Harvey.,D. (2009). *The Right to The City New Left Review*, V53, 23-40.
- 20.Marcuse., P. (2010). Rights in Cities and Right to the City? In Ana Sugranyes and Charlotte Mathivet (eds), Cities for all: proposals and Experiences Towards the Right to the City, Santiago, Chile: *Habitat International Coalition*: 89-100.
- 21.Meriläinen Eija, S., Fougère., M. & Wojciech., P. (2020). Refocusing urban disaster governance on marginalised urban people through right to the city, *Environmental Hazards*, V19, 87-208.
- 22.Bibari., S.(2019). On the sustainability of smart and smarter cities in the era of big data: an interdisciplinary and transdisciplinary literature review, *Journal of Big Data*, v6, 110-121.
- 23.Dener., A. (2012). *The right to inhabit in the city: Yeni Sahra squatter settlement in Istanbul*.
- 24.Harvey., D. (2012). *Rebel Cities: From the Right to the City to the Urban Revolution*, Verso Istanbul Technical University, No1,86-103.
- 25.Izar., P. (2019). Can public–private partnerships help achieve the right to the city in Brazil? The case of Casa Paulista program in São Paulo, *Journal of Urban Affairs*.
- 26.Jabareen., Y. (2014). The right to the city revisited: Assessing urban rights – The case of Arab Cities in Israel, *Habitat International*, V41, 135-141.
- 27.Kozaryn., A. & Valente., R. (2019). Livability and Subjective Well-Being Across European Cities, *Applied Research in Quality of Life*, V14, 197–220.
- 28.Lesutis., G. (2020). Planetary urbanization and the right against the urbicidal city, *Urban Geography*, *Published online*: 20 May 2020.
- 29.Shahrudin, I. & Hadi., A.S. (2008). Spatial Urban Metabolism for livable city, *Blueprints for sustainable infrastructure conference*, 9-12 december, Auckland.
- 30.Sofeska., L. (2017). Understanding the Livability in a City Through Smart Solutions and Urban Planning Toward Developing Sustainable Livable Future of the City of Skopje, *Procedia Environmental Sciences*, V 37, 442-453.
- 31.UN-Habitat. (2008). *State of the World's Cities 2010/2011*, Bridging The Urban Divide.
- Veenhoven., R. (2001). the four qualities of life or dering concepts and measures of the good life, *journal of happiness studies*.
- 32.World Charter for the right to the city. (2004). *Un-Habitat*.
- 33.Zanella., A. Camanho., A.S. & Dias., T.G. (2020). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact, *Annals of Operations Research*, 3-12.